

انتشار مذهب شیعه در نقاط مختلف

* حرکات موج تشیع

* مناظرات خصوصی

* تعصبات ناروا!

* * *

* حرکات موج تشیع :

باشیعه شدن من و برادرم در بخش این خبر در ممالک مختلف اسلامی ، جمع کثیری از مسلمانان ممالک سوریه ، لبنان ، ترکیه و سایر بلاد اسلامی خصوصاً یا توسط نامه های متعددی ، علل شیعه شدن ما را سؤال میکردند و ما نیز دلائل شیعه شدن خود را می گفتیم و آنرا در پاسخ نامه ها می نگاشتیم .

لذا گروه کثیری از آنهایی که علاقه خاصی با اهل بیت عسرت در دل خود داشتند با بخش این خبر میج و تعجب آور و مضالمت مند و معبرک مادر تنبیر عقیده : مذهب اهل بیت را که شیعه اثنی عشری می باشد بر سایر مذاهب ترجیح داده ، آنرا پذیرفتند .

و بدین ترتیب موج عظیمی بطرف گذاری از مذهب شیعه در این ممالک پدید آمد .

* مناظرات خصوصی

من و برادرم بر این باوریم که اطمینان داشته باشیم خود را گول نزده و در تنبیر عقیده ، راه صحیح و مستقیم در پیش گرفته و پیرامه ارفته ایم ، مناظرات خصوصی متعددی بین خودمان ترتیب می دادیم و هر کدام به نوبه نقش مخالف را بازی می کردیم تا با هم دیگر بگفتگو و مناظره می پرداختیم .

در این مناظرات من هر موقع که بتوانم یک فرد سنی در مقابل سؤالات و جوابهای دندان شکن برادرم که نقش یک فرد شیعی را بازی می کرد ، قرار می گرفتیم کاملاً در می یافتیم که شیعه حق می گوید و ادعاهای آنان اکثرأ مطابق اخبار معنی خود عامه است .

مثلاً موقعیکه برادرم بتواند یک فرد شیعی از من سؤال می کرد : شما بچه دلیل مذهب حنفی را اختیار کرده اید ؟ و دلیل شما در ترجیح آن بر سایر مذاهب عامه کدام است ؟ آیا دلیل روشنی از آیات قرآنی و احادیث نبوی بر حقانیت مذهبی که اختیار کرده اید داری ؟ یا اینکه خدای

تالی در قرآن مجید میفرماید: **وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ**
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنِ سَبِيلِهِ .

آیا این راهی که شما در آن قدم برمی دارید و این دینی که شما پیرو آن هستید ، همان صراط مستقیم است که قرآن مجید میفرماید ؟

در صورتی که بموجب این آیه شریفه راه مستقیم و دین حقا از میان این ادیان گمراهی از یکی نمیتواند باشد .

آیا حدیثی از پیغمبر اکرم وارد شده است که اختیار هر يك از این مذاهب و عمل بر طبق دستورات آنها را جایز می داند ؛ در این جامن پاسخ قانع کننده ای نداشتیم .

(ناگفته پیداست که با وجود اختلاف مذاهب در اصول و فروع دینی ، آنها اختلاف عمیقی که بین مذاهب عامه وجود دارد نمیتوان در کافی بودن بعضی از آنها استدلال باجماع نمود) . دفعه دیگر من بعنوان يك فرد شیعی با برادر خود بمنظور منی پرداختن و در مقام بل سوالات برادر در کافی بودن عمل بدستورات مذهب شیعه و حق بودن آن شواهدی از آیات قرآن و سنت نبوی بیان میکردم ، از جمله این روایت معروف که شیعیان را بحدتواتر ذکر کرده است استدلال میجستم :

وَأَنبِي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِمْرَتِي مَا أَن تَمْسُكْتُم بِهِمَا لَن تَضِلُّوا مَن بَعْدِي أَبَدًا وَأَنْهَمَانِ يَقْتَرِفَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ

أَخْلَفُونِي فِيهِمَا یعنی : من در میان شما دو چیز گرانمایه ، کتاب خدا و اهل بیت خود را

بمانتمی گذارم و از دنیا میروم ، اگر شما این دو (در امور دنیا و آخرت خودتان) تمسک نگه کنید ، هرگز بعد از من گمراه نمی شوید و این را نیز بدانید که این دو از هم جدا نمیشوند تا در پیشت بر من وارد شو ند پس ببینید در باره این دو امامت که پیش منم چه گفته اند ؟
با وجود این روایت صحیح (و سایر روایات معتبری که در مقالات آینده بعضی از آنها را ذکر خواهیم کرد) آیا عقل اجازه میدهد که دچار تعصبات ناچاشده ، پیروان دستورات ائمه اطهار و پیرو محبت آنها را خطا بدانیم ؟!

آری اینگونه روایات معتبر هستند که وجود تعصبات از اهل معصومین را لایق نمیکند و همین روایات صحیح بودند که مراد شیعه مذهب تشیع کرد و پند میدادند هر کس دیگری که تعصب بر اکتفا بگذارد و بادیة عقل و منطقی این گونه روایات نظر کند ، مثل من و برادر من حکم خواهد کرد که تشیع مذهب حقی بوده و تهیبت از دستورات آن لازم است .

تعصبات ناروا !

از آن موقع که ما تصرف خود را بمذهب شیعه آشکار کردیم و علناً اعلام نمودیم که ما بتکاء دلائل قطعی ، مذهب شیعه را اختیار کرده ایم ، با مخالفت یکجمله از جوانان پرشور و در عین حال کم اطلاع مواجه شدیم . این جوانان که اخلاعات و سببی از حقایق مذهب شیعه نداشتند و به مقتضای این گفتار پرارزش که : هر کس با آنچه جزهائی با آنها جاهل است دشمن من باشد (المرء عدو ما جهل به) سمت های ناروایی بمنزند اطفال کودکانه و اعمال شرم آوری را مرتکب می شدند که مرز شرح آنها خیام میکنم ؛ حتی بالاتر از این بعضی ما را مرتد ؛ و از دائر اسلام و مسلمین خارج دانستند ؛ و از اینرو وجهها را تحریک می کردند که ما را آزار دهند و سنگ بسوی ما پرتاب کنند ، حتی در منابر بمائسز امیگفتند و بعضی از وعظا منصب بجای بیان حقایق اسلامی در من نصیحتها اندرز بر دم و تنقید از ما ، با آنها توصیه می کردند از **معامله و معاشرت با ما خودداری کنند زیرا تبعیت از مذهب شیعه را موجب ارتداد و گناهنا - بخشودنی می دانستند ؛** اینان گمان میکردند که این اعمال و رفتارهای ناچا و نمر دانه عقیده مرا نسبت بمذهب شیعه مست خواهد کرد ولی غافل از اینک من و برادر من مذهب شیعه را از روی کمال علاقه و از روی دلیل و منطقی محکم اختیار کرده ایم ، این با دمای مخالف و جنبه و جوش های کود کانه نمی تواند در عقیده خلل ناپذیر ما کوچکترین نفوذی کند .

در ایاتی که خوب بدانید که چه تلاشهای تعصب آمیزی برای مبارزه با ما و کوییدن ما انجام میدادند جریان ذیل را بشنوید :

حسی از مشیبه «حلب» (که بزرگان و مسئولیهای اصل تسنن نیز با آنها موافق نیستند) در هم جمع شده مؤسسه ای بنام و جمعیة الدعوة المحمدیة الی المرط المستقیمه ترتیب دادند و کتابی بنام این جمعیت انتشار داده و در این کتاب جملهائی ذکر شده است که هدف اصلی این جمعیت آشکار میسازد .

در این کتاب چنین می نویسد : «چندی است که آثار تشیع در حلب و اطراف آن بروز کرده و در میان مردم مسلمان ایجاد اختلاف نموده است ، ای مردم این را بدانید که شیعه گری مذهب خستراکی است ؛ برای جلوگیری از این خطر باید با این عده از افراد که مذهب تشیع را اختیار کرده اند و آن مذهب را در این سامان رواج میدهند جدا مبارزه کرده ؛ !

ولی شما ای جوانان در این بدانید که این گونه نوشته های مسموم و این نوع مبارزات بخت و کود کانه ، بیچ وجه قادر نیستند جلو انتشار این مذهب را بگیرند و قلم سرخ بر روی آن بکشند .

و همانا و که سابقاً هم گنیم حتی بزرگان اهل تسنن که از اینگونه تعصبات ناروا خالی هستند (مانند شیخ محمد و دستورات مفتی نظام سابق اهل تسنن) عمل بمذهب شیعه را صحیح و کافی میدانند و مذهب اهل بیت را مذهب حقی می شمرند .